

### متن پرسش

سلام علیکم... بنده ی خوب خدا دیده ای که دلی دلسوزی که می بیند دیگران در چه حالی و در چه راهی از وهم و خیالات هستند و چگونه او دارد می سوزد ولی می داند که راه به جایی نیست و انگار که غرق در عبادات بی ثمر خود حتی در بصیرتی کوچک دلخوش کرده اند... نگویند کسی دارد می گوید چشمش را به روی همه چیز بسته است کسی به من می گفت مگر می شود یک جمعی و ملتی به سمت حق بیایند و همه ی مناسبات خود را خدایی کنند راستی من که در خانواده ی خود مانده ام، در کارهای بی ثمرشان در رفتارها و کارهایشان که ناگر نه انگار که هیچ صفایی و نشاطی دینی و قلبی نیست در خانواده، با اینکه مذهبی هستند و یا در کارهای فرهنگی که هزاران نوع تفکر هستند، و دلشان می خواهد که با این سطح از نگاه خود به دین کمک کار انقلاب رهبری باشند و دست به کارهایی پزحمت و هزینه می زنند به همراه بی نتیجگی و بیثمری آنها و.... استاد خوبم!! اینها را می دانم که می دانید ولی به من بگویند آیا از غم دلسوزی دین دز این زمانه در جامعه باید جان داد و یا باید بی خیال بود در جایی نشست که این کار من نیست... معرفتی قلبی و راهی عملی نشانم دهید...  
تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: معرفت نفس شروع خوبی است. موفق باشید